

فرماندهی معظم کل قوا: «ممکن است تهاجمات در آینده، این چنین صریح و روباز و سهل‌الدفع نباشد و ممکن است پیچیده تر باشد و لذا پیچیدگی و ایمان قوی لازم است. (۱۳۶۹/۶/۲۹)

واکاوی راهبردهای نظامی آمریکا در جنگ‌های حال و آینده

فتح/... کلاتری^۱

تاریخ دریافت: ۹۴/۷/۷

تاریخ پذیرش: ۹۴/۸/۲۰

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی راهبرد نظامی آمریکا در جنگ‌های حال و آینده به روش زمینه‌های موردی انجام شده است. جامعه آماری بر اساس برآورد خبرگان ۱۱۰ نفر برآورد شده که با استفاده از فرمول کوکران، حجم نمونه ۴۱ نفر تعیین شده است. نتایج تحقیق حکایت از آن دارد که آمریکا در جنگ‌های اخیر با ائتلاف‌سازی رسمی و جنگ نیابتی به دنبال تخریب زیرساخت‌های فرهنگی و اجتماعی بود. فشار دیپلماتیک و تغییر رفتار مسئولان و مردم از طریق عملیات تأثیرمحور از دیگر روش‌های آمریکا در جنگ‌های اخیر بوده است. آمریکا در جنگ‌های آینده با ائتلاف‌سازی ترکیبی و استفاده از فناوری نوین به دنبال اجرای جنگ هویتی و هیبریدی است، بنابراین بهترین روش برای مقابله با تهدیدهای حال و آینده آمریکا اجرای جنگ مقاومت با رویکرد شناخت‌محوری می‌باشد. نگاه آمریکا به جنگ بر این اساس است که دولت‌ها پیروز می‌شوند بلون جنگ‌های و شکست می‌دهند. بلون آنکه پیروز شوند، بنابراین روش‌های مقابله با این تفکر «جلوگیری از ایجاد اختلاف بین شیعه و سنی، مردم‌پایه نمودن دفاع و نهادینه کردن فرهنگ مقاومت، جلوگیری از شکل‌گیری گروه‌های فراملی و فروملی، تقویت گفتمان دیپلماسی و مذاکره» هستند.

واژگان کلیدی: راهبرد نظامی، جنگ نیابتی، تأثیرمحوری، شناخت‌محوری، جنگ هیبریدی.

۱. کلیات

آمریکا محیط امنیتی امروز جهانی را در تلاطم و آشوب و گرداب امنیتی^۱ می‌داند که بسیاری از حوزه‌های آن در حال تحول و تغییر است. راهبرد آمریکا فرار از تنش نظامی است، اما تهدید معتبر نظامی همواره از سوی این کشور وجود خواهد داشت. در راهبرد جدید آمریکا میان تهدید نظامی و اقدام نظامی تفکیک قائل وجود دارد، بُعد تهدیدها افزایش یافته است، در حالی که اقدام‌های نظامی کاهش چشمگیری داشته است. راهبرد دفاعی آمریکا مبتنی بر جنگ نیست، بلکه راهبرد تهدید با به‌کارگیری بازیگران فرودولتی و بازدارندگی را تعقیب خواهد کرد. ائتلاف‌سازی جدید آمریکا بر اساس ادغام فزاینده کشورهای در نظام امنیتی انجام خواهد شد مانند آنچه در الگوی امنیتی اروپا پس از پایان جنگ جهانی دوم انجام شد. در این راستا بلوک‌های امنیتی جدیدی جهت حضور و نفوذ آمریکا در منطقه ایجاد خواهد شد. آمریکا به شکل نرم و هوشمند با رویکرد عمل‌گرایانه، چالش‌های بین‌المللی را حل می‌کند، در این رویکرد استفاده از نیروی زمینی، اشغال و ثبات‌سازی در راهبرد نظامی آمریکا جایگاهی ندارد (گروه تحقیقاتی مرکز، ۱۳۹۳:۳).

۱-۱. بیان مسئله

آمریکا در عرصه بین‌المللی، عقب‌نشینی نخواهد کرد، بلکه راهبرد نظامی و شیوه جنگ را تغییر خواهد داد. آمریکا به صورت نرم و هوشمند با رویکرد عمل‌گرایانه و بر اساس اصل هزینه - منافع رهنامه نظامی خود را تغییر می‌دهد. مبنای این رهنامه، استفاده حداقلی از نیروی زمینی خود و ائتلاف‌سازی غیررسمی است، اما در راهبرد جدید تغییر چارچوبی (پارادایمیک) در بخش نظامی آمریکا اتفاق افتاده است؛ در واقع راهبرد جدید نشاندهنده قوت آمریکا نیست، بلکه نشان از ضعف آمریکا دارد. آمریکا به شدت دچار

بحران امنیتی ناشی از پیچیدگی روند جهانی شده است (گروه تحقیقاتی مرکز، ۱۳۹۳: ۴). شرایط متغیر محیطی باعث ایجاد تغییر در راهبرد نظامی آمریکا شده است، بنابراین مسئله اصلی این تحقیق، مشخص نمودن راهبرد نظامی آمریکا در جنگ آینده می باشد.

۲-۱. اهمیت و ضرورت موضوع تحقیق

عوامل که باعث اهمیت این تحقیق شده عبارتند از: «نظام و نیروهای مسلح ج.ا.ایران. را با راهبرد نظامی جدید آمریکا آشنا می سازد»، «مبنایی برای سیاستگذاری دفاعی- امنیتی ج.ا.ایران برای مقابله با تهدیدهای آتی آمریکا ایجاد می کند» و «نیروهای مسلح را قادر می سازد تا راهبرد دفاعی- امنیتی مناسب با راهبرد نظامی جدید آمریکا اتخاذ نمایند». مهم ترین هدف سیاست دفاعی کشورها دفع تهدید علیه تمامیت ارضی، حاکمیت و استقلال کشور است (Yarger, 2006: 15). شناخت راهبرد نظامی آمریکا برای مقابله با تهدیدهای آینده، امری ضروری و اجتناب ناپذیر است. فقدان آشنایی با ماهیت و کیفیت راهبرد نظامی آمریکا در جنگ های آینده، نیروهای مسلح و نظام را با غافلگیری راهبردی روبه رو می کند.

۳-۱. هدف های تحقیق

۱-۳-۱. هدف اصلی

شناخت و توصیف راهبرد نظامی آمریکا در جنگ های اخیر و پیش بینی آن در جنگ های آینده.

۲-۳-۱. هدف های فرعی

- (۱) شناخت راهبرد نظامی آمریکا در جنگ های اخیر،
- (۲) پیش بینی راهبرد نظامی آمریکا در جنگ های آینده.

۴-۱. پیشینه تحقیق

کتاب آمریکا (ویژه رهنامه امنیت ملی آمریکا)، مبانی نظری رهنامه امنیتی آمریکا در قرن ۲۱ و رهنامه امنیت ملی آمریکا در مورد مبارزه با تروریسم، سلاح‌های کشتار جمعی، نفت و خاورمیانه و ژئوپلیتیک شیعه را بررسی نموده است (رضاداد، ۱۳۸۴: ۷). کتاب رهنامه نیروی انسانی نیروی زمینی ارتش آمریکا به بررسی فعالیت نظام‌ها و ساختارهای نیروی انسانی پرداخته است (معاونت آموزش و نیروی انسانی سپاه، ۱۳۸۴: ۱۵). در پیشینه‌های بیان شده، راهبرد نظامی آمریکا در جنگ‌های گذشته یا حال مورد بررسی قرار نگرفته است. در این تحقیق، افزون بر بررسی راهبرد نظامی آمریکا در جنگ‌های اخیر، راهبرد نظامی آمریکا در جنگ‌های آینده پیش‌بینی شده است. در این تحقیق، «گزارش دفاعی چهارسالانه^۱ ۲۰۱۴ آمریکا»، «سند راهبرد امنیت ملی^۲ ۲۰۱۵ آمریکا» و «سند راهبرد نظامی ۲۰۱۵ آمریکا» توسط محقق و خبرگان، تحلیل شده و به‌عنوان جمع‌بندی ادبیات تحقیق بیان شده است.

۵-۱. پرسش‌های تحقیق

۱-۵-۱. پرسش اصلی

راهبرد نظامی آمریکا در جنگ‌های اخیر چگونه بوده و در جنگ‌های آینده چگونه خواهد بود؟

۲-۵-۱. پرسش‌های فرعی

(۱) راهبرد نظامی آمریکا در جنگ‌های اخیر چگونه بوده است؟

(۲) راهبرد نظامی آمریکا در جنگ‌های آینده چگونه خواهد بود؟

۱-۶. روش‌شناسی تحقیق

این تحقیق به روش ترکیبی (زمینه‌ای-موردی و توصیفی-تحلیلی) انجام گردیده و نتایج آن قابل تعمیم نمی‌باشد؛ چون راهبرد نظامی آمریکا در فرایند زمانی از گذشته و حال تا آینده مورد بررسی قرار گرفته است. با نگرش به اینکه نتایج تحقیق، کاربردی و تصمیم‌گرا می‌باشد، نوع پژوهش کاربردی است. داده‌ها در محیط نرم‌افزار SPSS وارد و با استفاده از روش‌های آمار توصیفی تجزیه و تحلیل شده است.

۱-۶-۱. روش و ابزار گردآوری اطلاعات

اطلاعات این تحقیق از دو روش «میدانی» و «بررسی اسناد و مدارک (کتابخانه‌ای علمی و تخصصی)» گردآوری شده است. در روش کتابخانه‌ای، ادبیات موضوع و اطلاعات نظری مورد نیاز با جست‌وجوی کتابخانه‌ای تخصصی، اینترنتی و بانک‌های اطلاعاتی به دست آمده است. در روش میدانی، پرسشنامه‌ای تنظیم شد که ۲۱ پرسش بسته آن از طریق طیف لیکرت در پنج سطح طبقه‌بندی گردید. در طراحی پرسشنامه با روش دلفی و با استفاده از نظر صاحب‌نظران، استادان، متخصصان و خبرگان، عوامل مؤثر بر رهنامه نظامی حال و آینده آمریکا، شناسایی و سپس پرسشنامه مقدماتی تهیه و دو مرحله بین خبرگان توزیع شد و پس از تعیین اعتبار و روایی آن، پرسشنامه نهایی تهیه گردیده است. برای تعیین روایی پرسشنامه از روش روایی محتوا و توزیع دو مرحله‌ای پرسشنامه بین صاحب‌نظران بهره‌برداری شده و برای تعیین پایایی آزمون از روش آلفای کرونباخ استفاده شده است و یک نمونه اولیه شامل ۳۰ پرسشنامه بین استادان دانشگاه امام حسین (ع) و دانشگاه عالی دفاع ملی پیش‌آزمون گردید و سپس با استفاده از داده‌های به‌دست آمده از این پرسشنامه‌ها و به کمک نرم‌افزار آماری SPSS میزان ضریب اعتماد با روش آلفای کرونباخ بزرگ‌تر از ۰/۷ به‌دست آمد، بنابراین پرسشنامه مورد استفاده از قابلیت اعتماد لازم برخوردار می‌باشد.

۲-۶-۱. جامعه آماری

جامعه آماری شامل استادان، خبرگان، مدیران ارشد و فرماندهان مسئول، راهبردی‌پردازان نظامی ستاد کل نیروهای مسلح است که دارای حداقل سه سال سابقه کار در مسائل راهبردی با داشتن جایگاه سازمانی ۱۸ می‌باشند. در این پژوهش، جامعه آماری با توجه به حساسیت و خاص بودن موضوع پژوهش، بسیار محدود بوده و با توجه به نظر کارشناسان و خبرگان در مجموع ۱۱۰ نفر برآورد شده است.

۳-۶-۱. حجم نمونه

نمونه‌گیری سهمیه‌ای و به شکل نسبی در دسترس و راهبردی انجام شده است. خبرگان بر اساس هدف‌های خاص تحقیق و راهبردهای حل مسئله انتخاب شده‌اند و به‌طور هدفمند تلاش شده از هر زیرگروه، تعدادی مشخص در نمونه باشد. از ۱۱۰ نفر جامعه نمونه با استفاده از فرمول کوکران، حجم نمونه ۴۱ نفر تعیین شده است.

جدول شماره ۱. تعداد جامعه و نمونه آماری

ردیف	نام سازمان	تعداد جامعه	تعداد نمونه
۱	ستاد کل نیروهای مسلح	۱۵	۶
۲	سپاه پاسداران انقلاب اسلامی	۲۰	۸
۳	ارتش جمهوری اسلامی	۲۰	۸
۴	نیروی انتظامی جمهوری اسلامی	۱۰	۴
۵	وزارت دفاع	۲۰	۵
۶	وزارت امور خارجه	۵	۲
۷	دانشگاه‌های نظامی	۲۰	۸
	-	۱۱۰	۴۱
	تعداد کل		

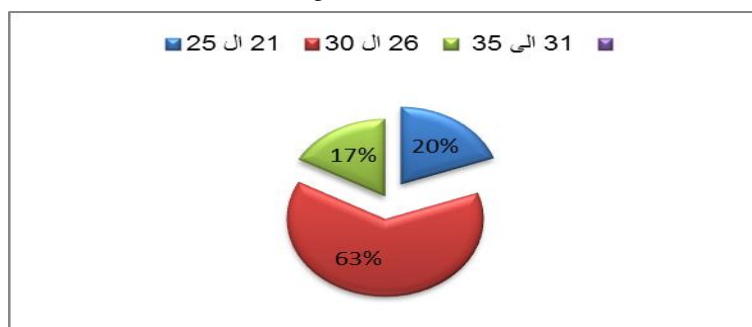
۴-۶-۱. تجزیه و تحلیل جامعه نمونه (جامعه شناختی)

با طرح دو پرسش، سعی در روایی و پایایی هر چه بیشتر پرسشنامه شده است. پرسش‌های مربوط به تعیین سنوات خدمتی پاسخ‌دهندگان، با رسم جدول و نمودار و تعیین درصد فراوانی آن به شرح زیر تجزیه و تحلیل گردیده‌اند:

جدول شماره ۲. سنوات خدمتی جامعه نمونه

سنوات (سال)	فراوانی	فراوانی درصدی
کمتر از ۲۰	۰	۰٪
۲۱ الی ۲۵	۸	۱۹٪
۲۶ الی ۳۰	۲۶	۶۳٪
۳۱ الی ۳۵	۷	۱۷٪
جمع	۴۱	۱۰۰٪

نمودار شماره ۱. سنوات خدمتی جامعه نمونه



یافته‌های جدول و نمودار بالا بیانگر این است که ۲۹/۸۵ درصد پاسخگویان دارای سنوات خدمتی ۲۱ الی ۲۵ سال بوده و ۵۰/۷۵ درصد آنان دارای سنوات خدمتی ۲۶ الی ۳۰ سال بوده و ۱۹/۴۰ درصد بالای ۳۰ سال خدمت دارند، بنابراین پاسخ‌دهندگان از تخصص و تجربه زیادی برخوردار می‌باشند و به جامعه آماری، اعتبار بالایی می‌بخشد. برای تعیین سطح تحصیلات پاسخ‌دهندگان نیز پرسشی مشخص شد. جدول، نمودار و درصد فراوانی آن به شرح جدول زیر می‌باشد:

جدول شماره ۳. سطح تحصیلات جامعه نمونه

سطح تحصیلات	فراوانی	فراوانی درصدی
لیسانس و پایین‌تر	۰	٪۰/۰
فوق لیسانس	۱۴	٪۳۴/۱۵
دکتر	۲۷	٪۶۵/۸۵
جمع	۴۱	٪۱۰۰

نمودار شماره ۲. سطح تحصیلات جامعه نمونه



یافته‌های جدول و نمودار بالا بیانگر این است که ۴۴/۷۸ درصد پاسخگویان دارای تحصیلات فوق لیسانس و ۵۵/۲۲ درصد دارای تحصیلات دکتر می‌باشند، بنابراین پاسخ‌دهندگان از تخصص و تجربه زیادی برخوردار می‌باشند و به جامعه آماری، اعتبار بالایی می‌بخشد.

۲. مبانی نظری تحقیق

۲-۱. مفاهیم تحقیق

۲-۱-۱. راهبرد^۱

در فرهنگ فارسی معین، راهبرد به معنی فن اداره عملیات جنگی، دانش رهبری عملیات نظامی است. راهبرد به معنی تعیین هدف‌های بلندمدت سازمان و گزینش

مجموعه اقدام‌ها و تخصیص منابع لازم برای دستیابی به این هدف‌هاست (Chandler, 1992: 7). راهبرد، راهی است که ما را به هدف می‌رساند، مأموریت را محقق می‌سازد و به چشم‌انداز معنی می‌بخشد (حسن‌بیگی، ۱۳۹۰: ۴۸).

۲-۱-۲. راهبرد نظامی^۱ و راهبرد دفاعی^۲

راهبرد نظامی، دانش و هنر به‌کار بردن نیروهای مسلح یک ملت به‌منظور تأمین هدف سیاست ملی از راه اعمال قدرت یا تهدید به‌وسیله قدرت است. ژنرال ماکسول دی تایلر^۳ راهبرد نظامی را شامل هدف‌ها، روش‌ها، منابع و ابزار می‌داند (حسنلو، ۱۳۸۸: ۷۶).

راهبرد دفاعی با استفاده از سیاست دفاعی (برنامه‌ای برای اجرای راهبرد دفاعی) به منافع ملی خدمت و از آن محافظت می‌کند. راهبرد دفاعی را می‌توان روشی برای حفاظت از امنیت ملی تعریف نمود. راهبرد دفاعی - امنیتی^۴ که مترادف راهبرد دفاعی است، علم و فن و هنر به‌کارگیری همه قدرت کشور یا قدرت ملی برای مقابله با انواع تهدیدهای امنیت ملی در تمامی ابعاد است (دانش‌آشتیانی، ۱۳۹۱: ۸۱). در مجموع می‌توان گفت که راهبرد نظامی، تابع راهبرد ملی و علم و هنر به‌کارگیری نیروی نظامی برای نیل به هدف‌های ملی در شرایط صلح و جنگ است، از این‌رو باید بین راهبرد دفاعی و نظامی باوجود تشابه زیاد، خطوط انفکاک را ترسیم کرد. طراحی راهبرد دفاعی به‌عهد حکومت و سطح سیاسی اداره کشور می‌باشد که البته با مشارکت جدی و محوری راهبردپردازها و فرماندهان نظامی انجام می‌شود، ولی راهبرد نظامی مربوط به محدوده نیروهای مسلح بوده و طراحی آن به‌عهد فرماندهان و مدیران عالی نظامی می‌باشد.

1. Military Strategy
2. Defence Strategy
3. Maxwell D Tiller
4. Defence - Security Strategic

۳-۱-۲. جنگ نیابتی^۱

جنگ نیابتی، جنگ واسطه‌ای یا جنگ وکالتی، وضعیتی است که در آن قدرت‌های درگیر به جای اینکه به‌طور مستقیم وارد جنگ با یکدیگر شوند با حمایت‌های مالی، تسلیحاتی و تبلیغاتی از کشورها یا گروه‌های مسلح دیگری که با قدرت مقابل یا متحدان آن در جنگند، سعی در تضعیف آن قدرت یا فشار آوردن بر آن می‌نمایند. جنگ نیابتی به استفاده از نیروهای نظامی کشوری ثالث (در بیشتر موارد تحت‌الحمايه) چه از سر تباری و یا غیر آن در میدان جنگ به‌جای نیروهای خودی اطلاق می‌شود. در جنگ نیابتی، ابرقدرت‌ها و قدرت‌های جهانی به جای مداخله اولیه مستقیم نظامی در مناطق هدف، گروه‌ها و کشورهای کوچک‌تر و ضعیف‌تر و هم‌پیمان با خود را به نیابت از خود، به وادی عملیات نظامی می‌کشند و در پس پرده، حمایت‌های مالی و تسلیحاتی و اطلاعاتی خود را از ایشان انجام می‌دهند (رشید و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۰).

۴-۱-۲. جنگ مقاومت^۲

اصطلاح مقاومت اسلامی به معنی تقویت استواری خط اسلام با حرکت در راه اسلام به‌عنوان یگانه راه استواری و با تکیه بر عوامل هدایت و قدرت در گفتمان اسلام است. مقاومت به گذشته نزدیک (جنگ هشت‌ساله) و گذشته دور (صدر اسلام) و به آینده ناپیدای موعود، منحصر نیست. مقاومت، نبرد پایان‌ناپذیر حق و باطل است. مقاومت فقط حرکت میهنی یا اجتماعی نیست، مقاومت از سلوک درونی در مبارزه با نفس آغاز می‌شود و به مرزهای جغرافیایی ختم می‌شود. مقاومت منحصر در عمل مسلحانه نیست؛ مقاومت پیوستار تام تمام گونه‌های عمل از نرم به سخت است. جنگ مقاومت، جنگی است که در اثر ایستادگی و مقاومت کشورهای آزادیخواه در برابر کشورهای سلطه‌طلب بین دو قدرت ضعیف و قوی انجام می‌شود. جنگ مقاومت، الهام گرفته از دفاع مقدس

1. Proxy War

2. Resistance War

ملت مسلمان ج.ا.ایران و نهضت‌های مقاومت در جنگ‌های ۳۳ روزه، ۲۲ روزه، ۸ روزه و ۵۱ روزه است (رشید و همکاران، ۱۳۹۳:۱۰).

۲-۱-۵. جنگ شبکه‌محور^۱

جنگ شبکه‌محور، عنصر نمادین جنگ عصر اطلاعات است که حول محور اشتراک اطلاعات به وجود آمده است. به واسطه گردش اطلاعات که از طریق رایانه‌ها و ارتباطات حاصل می‌شود، بین افراد مختلف ارتباط برقرار می‌گردد. همکاری و به اشتراک گذاری اطلاعات در جنگ شبکه‌محور تضمین می‌کند که در عملیات نظامی، تمام سرمایه‌های مناسب، به سرعت در اختیار فرماندهان گذاشته می‌شوند (حیدری، ۱۳۹۱:۱۱۵).

۲-۱-۶. عملیات تأثیرمحور^۲

عملیات تأثیرمحور عبارتست از هماهنگی مجموعه‌ای از اقدام‌ها به منظور تغییر شکل رفتار جمعیت خودی، دشمن و بی طرف در وضعیت صلح، بحران و جنگ (کرامت‌زاده، ۱۳۸۸:۵). عملیات تأثیرمحور بر اساس درک کلی‌نگر از توانمندی‌های نظام به منظور اعمال نفوذ یا تغییر رفتار با استفاده از کاربرد ترکیبی و یکپارچه ابزارهای قدرت ملی برای دستیابی به هدف‌های سیاسی طرح‌ریزی، برنامه‌ریزی و اجرا می‌شود، بنابراین با تمرکز بر تأثیرهای مطلوب، رویکرد جنگ نرم و هوشمند را جایگزین رویکرد سخت‌افزاری می‌نماید (منزوی، ۱۳۸۸:۴).

۲-۱-۷. شناخت‌محوری^۳

رویکرد جنگ‌های آینده، شناخت‌محوری است و علوم شناختی، مهم‌ترین تأثیرها را بر جنگ‌ها خواهد گذاشت. علوم شناختی یکی از دانش‌های نو است که در کنار

1. Network Base War
2. Effect Base Operation
3. Pivotal Cognition

نانوفناوری، زیست‌فناوری و فناوری اطلاعات به‌عنوان مجموعه دانش همگرا شناخته می‌شوند. این دانش از زیرمجموعه‌هایی مانند علوم اعصاب، روان‌شناسی، زبان‌شناسی، علوم رایانه و فلسفه ذهن تشکیل شده و کاربرد وسیعی در حوزه‌های فرعی مانند پزشکی، آموزش و پرورش، جامعه‌شناسی، سیاست، علوم اطلاعات، ارتباطات و رسانه‌های گروهی، مهندسی پزشکی، مهندسی فرمان و واپایش و حتی علوم دفاعی و جنگ پیدا کرده است (محمدی‌نجم، ۱۳۸۷: ۱۵).

۸-۱-۲. جنگ ترکیبی یا هیبریدی^۱

جنگ ترکیبی (هیبریدی)، جنگی با ترکیبی از ابزارهای متعارف، نامنظم و ناهمگون است و شامل استفاده یک بازیگر دولتی یا غیردولتی از همه ابزارهای در دسترس دیپلماتیک، اطلاعاتی، نظامی و اقتصادی با هدف ایجاد بی‌ثباتی در کشور هدف است. جنگ ترکیبی، جنگی است که نیروهای منظم و نامنظم قابل توجهی به‌طور همزمان تحت فرماندهی واحدی رزم می‌کنند (Huber, 2014: 45). جنگ‌های هیبریدی می‌توانند توسط دولت‌ها یا نهادهای غیردولتی هماهنگ شده و شامل گستره‌ای از حالت‌های متفاوت جنگ از جمله توانایی‌های متداول، راهکنش‌های (تاکتیک‌های) نامنظم، انجام خشونت بی‌رویه و اغتشاش‌های جنایی می‌باشد.

۲-۲. راهبرد نظامی آمریکا

رزمایش‌های زمینی آمریکا در سال‌های ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵ کاهش چشمگیر داشته و از طرفی بودجه زمینی آمریکا در سال ۲۰۱۵ حدود ۱٪ کاهش داشته و بودجه هوایی ۲٪ افزایش یافته است، این امر بیانگر آن است که جنگ زمینی، اولویت اول آمریکا نمی‌باشد، بنابراین چنانچه آمریکا در مناطق احتمالی وارد جنگ شود، اولویت اولش جنگ دریایی و

هوایی است (عملیات دریاپایه و هوایه). جنگ زمینی را به صورت نیابتی به کشورهای منطقه‌ای و هم‌پیمانان خود یا گروه‌های فروملی واگذار می‌کند (وحیدی و همکاران، ۱۳۹۴: ۴۷۷). راهبرد نظامی آمریکا به‌تازگی با تغییراتی مواجه شده که اهم آن عبارتند از:

(۱) کنار گذاشتن راهبرد پیشین مبنی بر مبارزه در دو جنگ و یک درگیری و برنامه‌ریزی برای تعویق تهدیدها از طریق اقدام‌های دیپلماتیک یا عملیات بازدارنده،
 (۲) استفاده از نیروهای مسلح چابک و انعطاف‌پذیر برای مقابله با طیف کاملی از تهدیدها،

(۳) کاهش ۱۰ تا ۱۵ درصدی شمار نیروهای زمینی، دریایی و تفنگداران دریایی آمریکا و در عین حال تقویت نیروی دریایی و هوایی خود در منطقه آسیا،

(۴) اولویت کلیدی واپایش ارتش کشورهایمانند چین،

(۵) خروج شمار زیادی از نیروهای آمریکایی از غرب آسیا و انتقال آنان به اروپا،

(۶) پرهیز از عملیات‌هایی که نیازمند زمان و نیروی نظامی بسیار است (Panetta, 2013: 57).

۱-۲-۲. هدف‌های راهبرد نظامی آمریکا

در چهار دهه گذشته هدف‌های راهبرد آمریکا بر اقدام هم‌زمان در دو جبهه جنگ متعارف بوده است. هدف راهبرد نظامی آمریکا بر این اساس استوار می‌باشد که ایالات متحده باید توانایی خود را برای پیروزی در یک جنگ حفظ کند و هم‌زمان این ظرفیت را داشته باشد تا مانع رسیدن دشمن به هدف‌های خود در منازعه دوم شود، بنابراین پایه‌های اصلی رهنامه نظامی آمریکا عبارتند از:

(۱) با کمترین هزینه،

(۲) با کمترین تلفات،

(۳) در کمترین زمان (قنبری جهرمی، ۱۳۹۴: ۵).

۲-۳. جمع‌بندی دیدگاه خبرگان و صاحب‌نظران

سیاست نظامی آمریکا از زمان جنگ ۱۸۱۲ با انگلستان، بر تفوق مطلق قرار گرفته است. بر این اساس، آمریکا هرگز اجازه نخواهد داد هیچ بازیگری به نقطه‌ای برسد که در صورت تجمیع توانمندی‌های سایر قدرت‌ها، بتواند در جنگ، آمریکا را شکست دهد.

طبق مصاحبه انجام شده با خبرگان، آمریکا پس از پایان جنگ سرد تاکنون سه نوع رهنامه نظامی را در جنگ‌های خود اجرا نموده است:

(۱) رهنامه برتری همه‌جانبه^۱، در جنگ اول عراق،

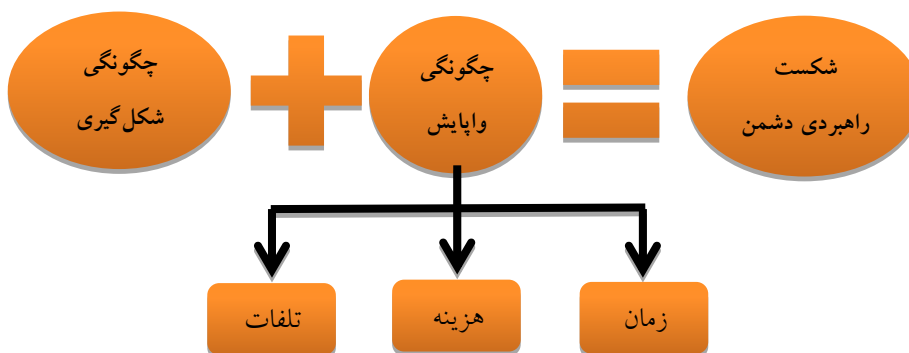
(۲) رهنامه برتری سریع در جنگ دوم با عراق،

(۳) رهنامه شوک و بهت^۲ که بر گرفته از رهنامه برتری سریع است، آمریکایی‌ها

قصد داشتند در صورت حمله نظامی به ج.ا.ایران از این رهنامه استفاده نمایند.

بر اساس دیدگاه صاحب‌نظران و تحلیل به عمل آمده از سند امنیت ملی و سند راهبرد نظامی ۲۰۱۵ آمریکا، در صورت وقوع جنگ احتمالی آینده، مبنای راهبرد نظامی آمریکا، شکست بدون پیروزی است. بر اساس این راهبرد چگونگی ورود نیروهای آمریکایی‌ها به جنگ‌های آینده، طبق شکل زیر می‌باشد.

شکل شماره ۱. چگونگی اداره جنگ‌های آینده

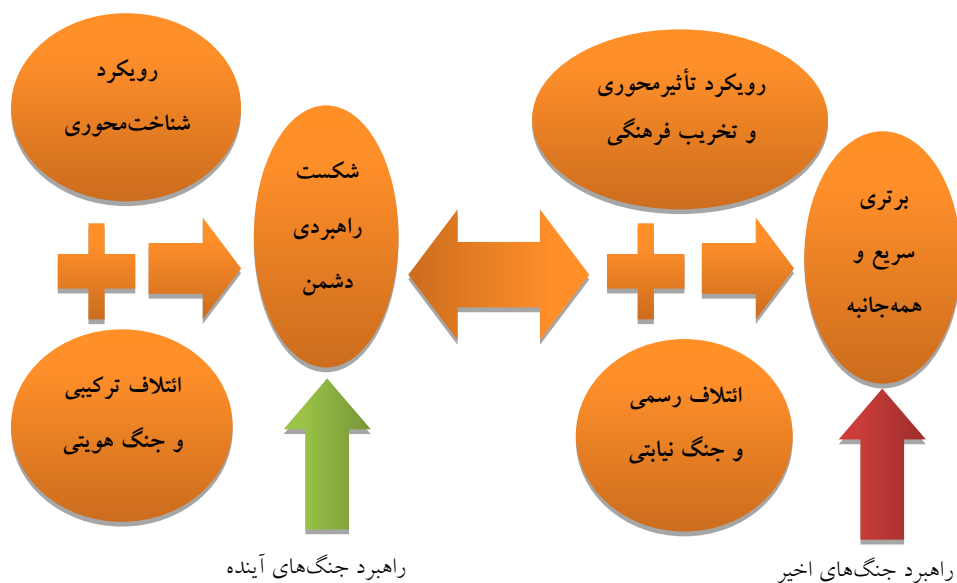


1. Full Spectrum Dominance (FSD)

2. Shock and Awe

با توجه به مبانی نظری و هدف‌های تحقیق، الگوی مفهومی تحقیق طبق شکل زیر می‌باشد.

شکل شماره ۲. الگوی مفهومی تحقیق



۳. تجزیه و تحلیل یافته‌های تحقیق

۳-۱. طیف (۱). عوامل تأثیرگذار با قدرت خیلی زیاد: امتیازدهی مبتنی بر ضرب مجموع نفرات (۴۱) در میانگین گزینه زیاد (۴ امتیاز) به دست آمده است. تمامی گزینه‌هایی که ۱۶۴ تا ۲۰۵ امتیاز کسب کرده‌اند، در این طیف قرار می‌گیرند.

۳-۲. طیف (۲). عوامل تأثیرگذار با قدرت زیاد: امتیازدهی مبتنی بر ضرب مجموع نفرات (۴۱) در میانگین گزینه متوسط (۳ امتیاز) به دست آمده است. تمامی گزینه‌هایی که ۱۲۳ تا ۱۶۳ امتیاز کسب کرده‌اند، در این طیف قرار می‌گیرند.

۳-۳. طیف (۳). عوامل تأثیرگذار با قدرت متوسط: امتیازدهی مبتنی بر ضرب مجموع نفرات (۴۱) در میانگین گزینه کم (۲ امتیاز) به دست آمده است. تمامی گزینه‌هایی که ۸۲ تا ۱۲۲ امتیاز کرده‌اند، در این طیف قرار می‌گیرند.

۳-۴. طیف (۴). عوامل تأثیرگذار با قدرت کم: امتیازدهی مبتنی بر ضرب مجموع نفرات (۴۱) در میانگین گزینه خیلی کم (۱ امتیاز) به دست آمده است. تمامی گزینه‌هایی که ۴۲ تا ۸۱ امتیاز کسب کرده‌اند، در این طیف قرار می‌گیرند.

۳-۵. طیف (۵). عوامل تأثیرگذار با قدرت خیلی کم: در این طیف متغیرهایی قرار دارند که ۴۱ امتیاز کسب نموده‌اند. کمترین امتیاز کسب شده توسط یک متغیر ۴۱ امتیاز است. چگونگی تأثیرگذاری طیف‌ها، به گونه‌ای است که هر چه از طیف ۱ به سوی طیف‌های بالاتر حرکت شود، از شدت و تأثیرگذاری طیف‌ها کاسته می‌شود؛ به گونه‌ای که طیف ۱ از قدرت تأثیرگذاری بیشتری نسبت به طیف ۲ و طیف ۲ از قدرت تأثیرگذاری بیشتری نسبت به طیف ۳ و در نهایت، ضعیف‌ترین آنها طیف ۵ است.

۳-۶. نتایج نهایی طیف‌بندی تقابل رهنامه نظامی آمریکا طبق جدول شماره ۴ محاسبه گردیده است. میانگین به دست آمده از نقش هر یک از عوامل تأثیرگذار ۱۱۸/۹ امتیاز می‌باشد. از ۲۱ عامل مطرح شده، امتیاز ۱۲ عامل آن از حد متوسط میانگین بیشتر می‌باشد.

پیروزی عملیاتی منجر به پیروزی راهبردی نمی‌شود. آمریکا در جنگ‌های اخیر از جمله جنگ دوم با عراق از طریق برتری سریع و همه‌جانبه به دنبال پیروزی عملیاتی بود و در عمل هم در سطح عملیاتی پیروز صحنه جنگ شد، اما در سطح راهبردی آمریکا هدف‌های خود را تأمین ننمود، بنابراین در جنگ‌های آینده، آمریکا به دنبال شکست راهبردی دشمن است. این عامل (شکست راهبردی دشمن) با کسب ۱۸۶ امتیاز به عنوان تأثیرگذارترین عامل در راهبرد نظامی آمریکا در جنگ آینده شناخته شده است.

مبنای جنگ‌های آینده بر اساس رویکرد شناخت‌محوری است، جنگ‌های گذشته بر اساس قاعده عمل و عکس‌العمل بود و یا واکنشی بود، جنگ‌های حال، کنشی بود، اما جنگ‌های آینده به شکل فراکنشی انجام می‌شود، یکی از الزام‌های مهم قاعده فراکنشی، شناخت صحیح و دقیق از تفکر دشمن است، به همین دلیل، رویکرد حاکم بر جنگ‌های آینده شناخت‌محوری است. این عامل با کسب ۱۸۰ امتیاز به‌عنوان دومین عامل تأثیرگذار در جنگ آینده شناخته شده است.

جنگ آینده آمریکا بر مبنای الگوی جنگ ترکیبی یا هیبریدی است. در این نوع از جنگ از تمامی ابزارهای متعارف و نامتعارف، نیروهای منظم و نامنظم با به‌کارگیری گروه‌های تکفیری در قالب جنگ بی‌قاعده و ایجاد آشوب در مناطق موردنظر اقدام می‌نماید. اجرای جنگ هیبریدی کمترین هزینه را برای آمریکا دارد؛ چون آمریکا به‌طور مستقیم وارد جنگ نمی‌شود. این عامل با کسب ۱۷۲ امتیاز به‌عنوان سومین عامل تأثیرگذار در جنگ آینده شناخته شده است.

شکاف‌های قومی - مذهبی موجود در منطقه آسیا باعث ایجاد تعارض‌های هویتی شده است، این تعارض‌ها می‌تواند مبنای جنگ‌های آینده باشد. در جنگ‌های هویتی نیروهای آمریکایی وارد جنگ نشده و به همین دلیل این نوع جنگ تلفات انسانی برای آمریکا ندارد، با توجه به اینکه یکی از ضعف‌های آمریکایی‌ها در جنگ آینده ترس از تلفات انسانی است، جنگ هویتی این ضعف را پوشش داده و از طرفی دارای کمترین هزینه مادی برای آمریکا می‌باشد. جنگ هویتی باعث فروپاشی کشورهای هدف آمریکا از درون می‌شود و از سویی، اجرای این جنگ هیچ‌گونه تبعات بین‌المللی برای آمریکا ندارد. این عامل با کسب ۱۶۸ امتیاز به‌عنوان چهارمین عامل تأثیرگذار در جنگ آینده شناخته شده است.

فناوری مبنای جنگ آینده است، هر چه فناوری وارد جنگ شود به همان میزان تلفات انسانی و هزینه مادی جنگ کمتر است، آمریکا در جنگ آینده به‌دنبال توسعه

تسلیمات و جنگ میدانی نیست، بلکه از طریق فناوری نوین و اجرای جنگ هیبریدی و هویتی با به‌کارگیری سامانه‌های نوین، جنگ آینده را به صورت واپاشی و دورایستا اداره نماید. این عامل با کسب ۱۶۵ امتیاز به‌عنوان پنجمین عامل تأثیرگذار در جنگ آینده شناخته شده است.

نهادینه کردن فرهنگ مقاومت مانع از پیروزی راهبردی آمریکا در جنگ‌های اخیر شده است. نمونه بارز آن سوریه و عراق هستند، پیشران اصلی جنگ مقاومت مردم‌پایه نمودن جنگ است. مشارکت و حمایت مردم از جنگ باعث شکست راهبردی آمریکا در جنگ‌های اخیر شده است. اتحاد، همدلی و وحدت کلمه مردم با مردم و مردم با مسئولان منجر به مقاومت و ایستادگی در برابر دشمن می‌شود. آمریکایی‌ها به‌تازگی دو اصل «مشارکت همگانی» و «پایداری و ایستادگی» را به اصول جنگ خود اضافه کرده‌اند. این اصول بر گرفته از همین فرهنگ مقاومت است که آمریکایی‌ها در جنگ‌های اخیر آن را تجربه نموده‌اند. این عامل با کسب ۱۴۰ امتیاز به‌عنوان ششمین عامل تأثیرگذار در جنگ‌های اخیر شناخته شده است.

یکی از راهبردهای جنگی آمریکا در سال‌های اخیر اجرای جنگ نیابتی بوده است. این شیوه با به‌کارگیری مزدوران خارجی از جمله گروه‌های تکفیری- تروریستی همراه با گروه‌های مخالف داخلی با حمایت مستقیم و غیرمستقیم آمریکا در برخی کشورها مانند لیبی، سوریه و عراق انجام شده است. جنگ‌های نیابتی دارای هزینه کمتری نسبت به جنگ‌های ائتلافی است، به همین دلیل در سال‌های اخیر الگوی مناسبی برای آمریکا بود. این عامل با کسب ۱۳۸ امتیاز به‌عنوان هفتمین عامل تأثیرگذار در جنگ‌های اخیر شناخته شده است. گفتنی است که هزینه جنگ نیابتی بیشتر از جنگ هیبریدی و هویتی است.

تخریب زیرساخت‌های فرهنگی و اجتماعی باعث فروپاشی از درون می‌شود، چنانچه در جنگ زیرساخت‌های اقتصادی و عمرانی تخریب شوند، به مرور زمان و

به‌ویژه در دوران صلح می‌توان آن را بازسازی نمود، اما چنانچه فرهنگ و ارزش‌های اجتماعی متزلزل شود، بازسازی آن به سختی انجام می‌شود و در برخی موارد غیرممکن است، بنابراین آمریکا از طریق تخریب زیرساخت‌های فرهنگی و اجتماعی با هوشمندی کامل در جنگ‌های اخیر جنگ نرم را جایگزین جنگ سخت نمود. این عامل با کسب ۱۳۵ امتیاز به‌عنوان هشتمین عامل تأثیرگذار در جنگ‌های اخیر شناخته شده است.

یکی از حربه‌های آمریکا اعمال تحریم اقتصادی برای تغییر رفتار و گزینه فشار دیپلماتیک برای تغییر محاسبات می‌باشد، دیپلماسی از طریق مذاکره و گفت‌وگو تحقق می‌یابد. آمریکایی‌ها پس از ۱۵ سال جنگ و خونریزی در منطقه آسیا به این نتیجه رسیدند که امنیت پایدار از طریق تهدید و جنگ به دست نمی‌آید. در سال‌های اخیر گزینه نظامی و جنگ راهبرد آمریکا برای سرنگونی نظام حاکم بر کشورهای هدف بود، به دلیل مقاومت مردم و حمایت مردم از نظام حاکم، این راهبرد نتیجه‌ای نداشت، به همین دلیل آمریکایی‌ها با یک عقب‌نشینی راهبردی از طریق فشار دیپلماتیک به دنبال تغییر محاسبه‌های ذهنی مسئولان کشور هدف بودند. این عامل با کسب ۱۳۲ امتیاز به‌عنوان نهمین عامل تأثیرگذار در جنگ‌های اخیر شناخته شده است.

آمریکا در جنگ‌های اخیر از طریق ائتلاف رسمی با کشورهای منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای وارد جنگ شد، اما حضور و مشارکت برخی از کشورها کم‌رنگ بود. در جنگ‌های اخیر آمریکا تلاش نمود به صورت رسمی و آشکار در قالب ائتلاف از ظرفیت سایر کشورها استفاده نماید و به صورت غیررسمی و پنهانی هم از ظرفیت گروه‌های تکفیری و تروریستی استفاده نمود، بنابراین در جنگ‌های اخیر آمریکا به صورت ائتلاف رسمی وارد جنگ شد و بیشترین نقش فیزیکی و میدانی را نیروهای نظامی آمریکا داشتند. این عامل با کسب ۱۲۵ امتیاز به‌عنوان دهمین عامل تأثیرگذار در جنگ‌های اخیر، شناخته شده است.

ائتلاف ترکیبی شامل ائتلاف رسمی و غیررسمی است، آمریکا در جنگ‌های آینده از طریق ائتلاف ترکیبی، همزمان با کشورهای رسمی و گروه‌های فراملی و فرو ملی وارد جنگ می‌شود. ائتلاف رسمی در جنگ‌های اخیر دارای بیشترین هزینه برای آمریکا بود، البته ائتلاف با گروه‌ها به صورت غیررسمی و پنهانی می‌باشد، بنابراین آمریکا در جنگ‌های آینده با اجیر کردن مزدوران جنگی (گروه‌های ملی، فراملی و تکفیری- تروریستی) و مشارکت کشورهای وابسته به خود، اقدام به تشکیل ائتلاف مرکب می‌نماید. در ائتلاف مرکب نیروهای نظامی آمریکا کمترین نقش را در حضور فیزیکی و میدانی و یا اجرای عملیات نظامی دارند. این عامل با کسب ۱۲۱ امتیاز به‌عنوان یازدهمین عامل تأثیرگذار در جنگ آینده، شناخته شده است.

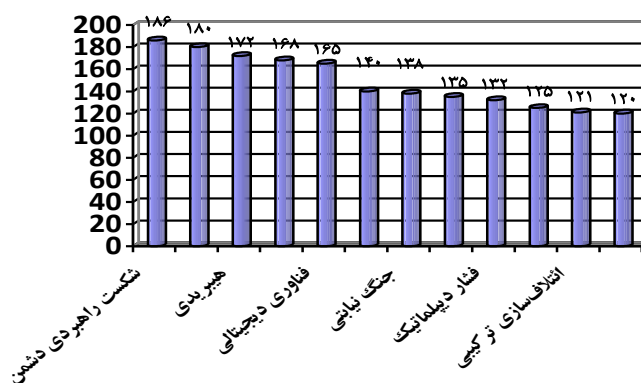
عملیات تأثیرمحور بهترین روش برای تغییر شکل رفتار جمعیت خودی، دشمن و بی‌طرف در وضعیت صلح، بحران و جنگ است، این الگوی جنگی یکی از الگوهای است که آمریکا در جنگ‌های اخیر به‌منظور تأثیرگذاری بر جمعیت هدف از آن استفاده نموده است. آخرین نمونه آن، حضور نظامی آمریکا در افغانستان است که مورد پذیرش مردم و حکومت افغانستان قرار گرفته است. این عامل با کسب ۱۲۰ امتیاز به‌عنوان دوازدهمین عامل تأثیرگذار در جنگ‌های اخیر شناخته شده است.

در این تحقیق تعداد ۲۱ عامل توسط محقق مورد ارزیابی قرار گرفته که پس از امتیازبندی و معدل‌گیری مشخص گردید ۱۲ عامل دارای امتیاز بیشتر از حد نصاب (میانگین ۱۱۸/۹) می‌باشد. محقق ۱۲ عامل را تجزیه و تحلیل نموده و ۹ عامل باقی‌مانده که دارای امتیاز کمتر از حد نصاب است، تجزیه و تحلیل نشده است.

جدول شماره ۴. نتیجه نهایی طیف‌بندی عوامل مؤثر بر تحقیق به ترتیب امتیاز

درصد طیف به کل	امتیاز کل طیف	امتیاز هر عامل	عوامل	طیف
۳۴/۸۴	۸۷۱	۱۸۶	راهبرد نظامی آمریکا در جنگ آینده به دنبال شکست راهبردی دشمن است	یک
		۱۸۰	مبنای الگوی جنگی آمریکا در آینده، شناخت محوری است	
		۱۷۲	جنگ آینده آمریکا ترکیبی با هیبریدی است	
		۱۶۸	راهبرد نظامی آمریکا در جنگ آینده متکی بر جنگ‌های هویتی است	
		۱۶۵	راهبرد نظامی آمریکا در جنگ آینده متکی بر فناوری نوین است	
۲۶/۸	۶۷۰	۱۴۰	جنگ مقاومت مانع از پیروزی راهبردی آمریکا در جنگ‌های اخیر شد	دو
		۱۳۸	راهبرد نظامی آمریکا در جنگ‌های اخیر متکی بر جنگ نیابتی بود	
		۱۳۵	آمریکا در جنگ‌های اخیر به دنبال تخریب زیرساخت‌های فرهنگی و اجتماعی بود	
		۱۳۲	آمریکا در جنگ‌های اخیر از طریق فشار دیپلماتیک در پی تغییر محاسبه‌های مسئولان طرف مقابل بود	
		۱۲۵	راهبرد نظامی آمریکا در جنگ‌های اخیر، متکی به ائتلاف‌سازی رسمی بود	
۲۵/۹۲	۶۴۸	۱۲۱	راهبرد نظامی آمریکا در جنگ‌های آینده، متکی به ائتلاف‌سازی ترکیبی است	سه
		۱۲۰	الگوی جنگی آمریکا در جنگ‌های اخیر، تابع عملیات تأثیرمحور بود	
		۱۱۲	راهبرد آمریکا در جنگ‌های اخیر، شکست راهبردی دشمن بود	
		۱۰۵	جنگ آینده، آمریکا متکی بر نیروی مشترک است	
		۹۸	الگوی جنگی آمریکا در آینده، عملیات شبکه‌ای است	
		۹۲	الگوی جنگی آمریکا در جنگ‌های اخیر، شبکه‌ای بود	
۹/۱۶	۲۲۹	۸۰	رهنامه نظامی آمریکا در جنگ‌های اخیر بر اساس برتری همه‌جانبه بود	چهار
		۷۷	الگوی جنگی آمریکا در آینده، عملیات شبکه‌محور است	
		۷۲	آمریکا در جنگ آینده از نیروی زمینی بیشتر استفاده می‌کند (جنگ زمین‌پایه)	
۳/۲۸	۸۲	۴۱	رهنامه نظامی آمریکا در جنگ‌های آینده بر اساس برتری همه‌جانبه بود	پنج
		۴۱	رهنامه نظامی آمریکا در جنگ‌های آینده بر اساس شکست عملیاتی دشمن است	
-	۵۰۰	۱۱۸۹	-	میانگین
۱۰۰	-	۲۵۰۰	-	جمع کل

نمودار شماره ۳. تأثیرگذارترین عوامل تحقیق



۴. نتیجه‌گیری

۴-۱. جمع‌بندی

طبق تجزیه و تحلیل انجام شده از یافته‌های تحقیق و رهنامه دفاعی چهارساله^۱ (QDR-2014) تغییری در بخش نظامی آمریکا اتفاق افتاده است؛ در واقع این سند نشاندهنده قوت آمریکا نیست، بلکه نشان از ضعف دارد. بر اساس تجزیه و تحلیل به عمل آمده از یافته‌های تحقیق، راهبرد مشخص آمریکا، پیروز شدن بدون جنگیدن و شکست دادن بدون پیروز شدن است؛ دلیل این امر نیز آن است که آمریکا محیط امنیتی امروز جهانی را در تلاطم و آشوب و گرداب امنیتی می‌داند که بسیاری از حوزه‌های آن در حال تغییر و تحول است. بر این اساس، دولت‌ها پیروز می‌شوند بدون جنگیدن و شکست می‌دهند بدون آنکه پیروز شوند، بنابراین روند راهبرد نظامی آمریکا از برتری سریع و مطلق و شوک و بهت به شکست راهبردی دشمن تبدیل شده است.

۱-۱-۴. بر اساس تجزیه و تحلیل به عمل آمده از یافته‌های تحقیق، در رابطه با اولین پرسش فرعی تحقیق می‌توان نتیجه گرفت که مبنای راهبرد نظامی آمریکا در جنگ‌های اخیر به شرح زیر بوده است:

(۱) جنگ‌های گروه‌ها و محور مقاومت، مانع از پیروزی راهبردی آمریکا در جنگ‌های اخیر شده است؛ به همین دلیل، راهبرد نظامی آمریکا در جنگ‌های اخیر، ائتلاف‌سازی علیه کشورهای مقاومت بوده است.

(۲) آمریکا در جنگ‌های اخیر با اجرای جنگ نیابتی و عملیات تأثیرمحور اقدام به تخریب زیرساخت‌های فرهنگی و اجتماعی کشورهای هدف نموده است، سلاح اصلی این جنگ‌ها نه توان مالی و تسلیحاتی و سلاح‌های کشنده، بلکه توانایی‌های فکری و هوشمندی افراد است.

(۳) آمریکا در جنگ‌های اخیر، از طریق راهبرد فشار دیپلماتیک به‌دنبال تغییر محاسبه‌های مسئولان طرف مقابل بود.

شکل شماره ۳. مبنای راهبرد نظامی آمریکا در جنگ‌های اخیر



۲-۱-۴. بر اساس تجزیه و تحلیل به عمل آمده از یافته‌های تحقیق، در رابطه با دومین پرسش فرعی تحقیق می‌توان نتیجه گرفت که راهبرد نظامی آمریکا در جنگ‌های آینده به شرح زیر خواهد بود:

(۱) راهبرد نظامی آمریکا مبتنی بر پیروزی مطلق و تفوق نیست، بلکه آمریکا در جنگ‌های آینده از طریق ائتلاف‌سازی ترکیبی (ائتلاف رسمی و غیررسمی، همزمان با کشورها و گروه‌های فراملی و فروملی) به دنبال شکست راهبردی دشمن؛ یعنی راهبرد پیروز شدن بدون جنگیدن، خواهد بود.

(۲) راهبرد نظامی آمریکا در جنگ‌های آینده بر اساس رویکرد شناخت‌محوری، متکی بر اجرای جنگ‌های هویتی و هیبریدی (ترکیبی) خواهد بود.

(۳) نسل جدید جنگ تأکید جدی بر همسوسازی و همسان‌سازی فناوری نوین داشته و کلیدواژه موفقیت در این رویکرد، توان داخلی قدرت فناوری ارتباطات است، بنابراین راهبرد نظامی آمریکا در جنگ‌های آینده متکی بر فناوری نوین خواهد بود.

شکل شماره ۴. مبنای راهبرد نظامی آمریکا در جنگ‌های آینده



۲-۴. پیشنهادها

- (۱) کشورهای اسلامی، از سازماندهی و شکل‌گیری جنگجویان شبه‌نظامی فراملی و فروملی (غیردولتی)، جلوگیری کنند. تشکیل این گروه‌ها ضمن مشروعیت‌زدایی از حکومت‌ها و دولت‌ها، جنگ را از انحصار دولت‌ها خارج می‌کند.
- (۲) کشورهای اسلامی، به‌منظور ممانعت از جنگ‌های نیابتی، از بروز اختلاف‌های دینی و مذهبی و نژادی باید جلوگیری کنند.
- (۳) کشورهای اسلامی، با هدف مبارزه با جنگ‌های نیابتی و هیبریدی دشمن، باید جنگ‌ها را مردم‌پایه نموده و فرهنگ مقاومت را از طریق ائتلاف‌سازی اسلامی و تشکیل پیمان‌های دفاعی - امنیتی در چارچوب سازمان کنفرانس اسلامی، نهادینه کنند. هدف دشمن در نسل جدید جنگ، اراده مردم است، دشمن با ترویج جنگ بی‌قاعده و ناهمگون، محور اصلی آن را مردم قرار می‌دهد.
- (۴) به‌دلیل استفاده گسترده از جنگ‌افزارهای هوشمند در جنگ آینده، به‌کارگیری شیوه‌ها و شبکه‌های جنگی نامتمرکز با استفاده از ابزارهای شبکه‌ای برای نیروهای مسلح ج.ا. ایران توصیه می‌گردد.
- (۵) گفت‌وگوهای دیپلماتی و مذاکره برای ممانعت از هم‌زمانی بین تهدیدهای داخلی و خارجی، برای نظام جمهوری اسلامی ایران توصیه می‌شود.
- (۶) به‌منظور تکمیل شدن این پژوهش پیشنهاد می‌گردد، طرح یا مقاله‌ای با عنوان مقایسه تطبیقی راهبرد نظامی کشورهای قدرتمند جهان اجرا گردد.

فهرست منابع

۱. منابع فارسی

۱. حسن بیگی، ابراهیم (۱۳۹۰)، *مدیریت راهبردی*، تهران، انتشارات سمت و مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی دانشگاه عالی دفاع ملی.
۲. حسنلو، خسرو (۱۳۸۸)، *مروری بر مفاهیم جنگ*، تهران، انتشارات آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.
۳. حیدری، کیومرث (۱۳۹۱)، *جنگ آینده*، تهران، انتشارات عقیدتی سیاسی ارتش جمهوری اسلامی ایران.
۴. دانش‌آشتیانی، محمدباقر (۱۳۹۱)، *مدیریت راهبرد دفاعی - امنیتی*، تهران، انتشارات مرکز آموزشی و پژوهشی شهید صیاد شیرازی.
۵. رشید، غلامعلی و همکاران (۱۳۹۳)، «واکاوی الگوهای حاکم بر جنگ آینده»، *فصلنامه راهبرد دفاعی*، شماره ۴۸.
۶. رضاداد، درویش (۱۳۸۴) *دکترین امنیت ملی آمریکا*، تهران، انتشارات ابرار.
۷. قنبری‌جهرمی، محمدحسین (۱۳۹۴)، «دکترین آمریکا»، *جلسه خبرگی جنگ آینده*، تهران، مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی.
۸. کرامت‌زاده، عبدالحمید (۱۳۸۸)، *عملیات تأثیرمحور - نظریه و کاربرد*، تهران، انتشارات مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.
۹. گروه تحقیقاتی مرکز (۱۳۹۳/۲/۳۱)، *گزارش راهبردی آمریکا*، شماره ۸، تهران، مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی.
۱۰. محمدی‌نجم، سیدحسین (۱۳۸۷)، *جنگ شناختی، بعد پنجم جنگ*، تهران، مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.
۱۱. معاونت آموزش و نیروی انسانی سپاه (۱۳۸۴)، *دکترین نیروی انسانی نیروی زمینی ارتش ایالات متحده آمریکا*، تهران انتشارات کوثر.
۱۲. منزوی، مسعود (۱۳۸۸)، *عملیات تأثیرمحور*، تهران، انتشارات مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.
۱۳. وحیدی، احمد و همکاران (۱۳۹۴)، *سال‌نامه دفاعی - امنیتی*، مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی، تهران، انتشارات مطهر.

۲. منابع انگلیسی

1. Chandler, Alfred (1992), *Strategy and Structure*, Cambridge, MIT Press.
2. Huber, Tomas (2014), *The Report of United States Army Special Operations Command*, New York, Department of Defence U.S.A.

3. *Military Strategy* (2015), New York, Department of Defence U.S.A.
4. Panetta, Leon (2013), *United States Army Military Doctrine*, New York, Department of Defence U.S.A.
5. *Quadrennial Defense Review* (2014), New York, Department of Defence U.S.A.
6. *The United States National Security Strategy* (2015), New York, Department of Defence U.S.A.
7. Yarger, Harry (2006), Strategic Theory for the 21 Century, The Little Book on bic Strategy, available at: www.Strategicstudiesinstitute.army.mil

